

Commercial Drilling in Ziwiya Based on Archival Evidence (1946-1952)

Salah Nasrollahi¹ | Saleh Aminpoor²

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Abstract:

Purpose: Ziwiye is an important Iranian archeological site, located 48 km northeast of Saqez. An accidental discovery and subsequent flow of a collection of ancient objects into world collections and museums, fueled commercial excavations during the years 1948 to 1953. That resulted in the destruction of a large part of the artefacts and architectural evidence and the plundering of excavated objects. No report is yet provided about such operations. This paper aims to find out the details of such operations and objects.

Method and Research Design: Two groups of documents were examined to collect data for this paper: 1) Archival documents and discovery papers; 2. Documents and official correspondence of the National Museum of Iran regarding the purchase of objects from antique dealers

Findings and Conclusion: Not all of the objects provided by commercial diggers belonged to Ziwiye as no expert examination was carried out to assure their authenticity.

Keywords:

Saqez, Manna, ziwiye, Ayub rabno, Archival Documents.

Citation:

Nasrollahi, S., Aminpoor, S. (2020). Commercial Drilling in Ziwiya Based on Archival Evidence (1946-1952). *Ganjine-ye Asnad*, 30(2), 36-63. doi: 10.22034/ganj.2020.2422

1. MA Student of History,
Payam Noor University, Saqez, I.R.
Iran,(Corresponding Author)
salahnasrollahi58@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of
History, Payam Noor University, Saqez,
I.R. Iran
saleh.aminpoor@gmail.com

Copyright © 2020, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«118»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/ganj.2020.2422

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 30, No. 2, Summer 2020 | pp: 36 - 63 (28) | Received: 13, Aug. 2018 | Accepted: 12, May. 2019

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشئویی

حفاری‌های تجاری و اشیای کشف شده در زیویه در سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۲ ش.

صلاح نصراللهی^۱ | صالح امین‌پور^۲

چکیده:

هدف: زیویه از محوطه‌های بااهمیت باستان‌شناسی ایران در ۴۸ کیلومتری شمال شرق شهرسقز است. کشف اتفاقی مجموعه‌ای از اشیاء باستانی در این محوطه و سرزیرشدن آنها به مجموعه‌ها و موزه‌های جهان و سپس حفاری‌های تجاری طی سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۲ به تخریب بخش عمده‌ای از آثار و شواهد معماری و غارت اشیاء آن انجامید. از آنجا که این حفاری‌ها برای گنج‌یابی بود، گزارشی از آنها عرضه نشده است. هدف این مقاله برملا کردن جزئیات عملیات کاوش‌ها است.

روش/ رویکرد پژوهش: داده‌ها از اسناد آرشئویی، صورت‌جلسه‌های کشف مربوط به حفاری‌های تجاری در زیویه، اسناد و مکاتبات خرید اشیاء منتسب به زیویه از دلالت عتیقه توسط موزه ایران باستان گردآوری شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: اشیاء منتسب به زیویه منحصراً حاصل حفاری‌های تجاری زیویه نیست بلکه کلیه این اشیاء بدون مطالعه و بررسی زمینه‌های فنی، هنری و اصالت‌سنجی، به زیویه نسبت داده شده است.

کلیدواژه‌ها:

سقز، مانا (ماننا)، زیویه، ایوب ربنو، اسناد آرشئویی.

استناد:

نصراللهی، صلاح، امین‌پور، صالح. (۱۳۹۹). حفاری‌های تجاری و اشیای کشف شده در زیویه در سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۲ ش، *گنجینه اسناد*، ۳۰ (۲)، ۳۶-۶۳. doi: ۱۰.۲۲۰۳۴/ganj.۲۰۲۰.۲۴۲۲

۱. کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه پیام نور، سقز، ایران. (نویسنده‌مسئول)
salahnasrollahi58@yahoo.com
۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور، سقز، ایران.
saleh.aminpoor@gmail.com



گنجینه اسناد

«۱۱۸»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/ganj.۲۰۲۰.۲۴۲۲

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC, ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۰، دفتر ۲، تابستان ۱۳۹۹ | صص: ۳۶-۶۳ (۲۸)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۲۲ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۲۲

تحقیقات تاریخی

مقدمه

از زمان کشف اتفاقی محوطه باستانی زیویه در سال ۱۳۲۵ تاکنون چندین مقاله علمی و کتاب با موضوع زیویه نگاشته شده است. در این منابع غالباً شرح داستان چگونگی کشف گنجینه زیویه و توصیف اشیاء متعلق به آن آمده است و هرکدام از نویسندگان این مقالات و کتاب‌ها به نقد یا تکمیل نوشته‌های قبل از خود پرداخته‌اند و به ندرت به اسناد و مدارک واقعی موجود درباره زیویه به‌ویژه اسناد آرشیوی توجه کرده‌اند. زیویه در تاریخ ۱۳۴۶/۱۰/۴ به شماره ۷۶۲ در فهرست آثار ملی کشور ثبت شده است. اشیاء فراوان منتسب به زیویه اکنون در مشهورترین موزه‌های جهان از جمله موزه لوور، لندن گراد، متروپولیتن و... و هم‌چنین موزه ایران باستان نگهداری می‌شود. زیویه همواره مورد توجه خاص بوده است و بعد از حفاری‌های تجارتهای هفت‌ساله ایوب ربنو طی سال‌های ۱۳۲۵-۱۳۳۲، در مجموع تاکنون ۱۵ فصل کاوش علمی باستان‌شناختی هم به شرح زیر در زیویه انجام شده است: کاوش محدود و کوتاه‌مدت رابرت دایسون در سال ۱۳۴۳؛ کاوش‌های ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۶ (۳ فصل کاوش) و نیز ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۷ (۵ فصل کاوش) توسط نصرت‌الله معتمدی؛ کاوش و عملیات مرمتی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲ (۴ فصل کاوش) توسط سیمین لک‌پور؛ کاوش سال ۱۳۸۷ توسط کامیار عبدی؛ عملیات تعیین عرصه و حریم زیویه در سال ۱۳۹۱ توسط عبدالرضا مهاجری‌نژاد (آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کردستان).

با وجود صرف وقت و هزینه زیاد در این کاوش‌ها، به جز گزارش عملیات تعیین حریم سال ۱۳۹۱ تاکنون گزارش کامل دیگر کاوش‌های زیویه منتشر نشده است و مجموع مطالب علمی و قابل استناد درباره زیویه از چند صفحه تجاوز نمی‌کند. بر همین اساس این مقاله به بررسی و بازبینی اسناد و مکاتبات آرشیوی مربوط به کاوش‌های تجارتهای سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۲ پرداخته است تا از راه توجه به جزئیات و موضوعات به ظاهر کم‌اهمیت به نتیجه‌ای کلی و تاحدزیادی قابل اعتماد درباره واقعات‌های حفاری در آن مقطع زمانی و اشیاء منتسب به زیویه دست یابد.

در این نوشتار به دلیل ناچیزبودن اطلاعات مربوط به کاوش‌های بعد از سال ۱۳۲۵ و وجود آرشیوی هرچند ناقص از مکاتبات مربوط به کاوش‌های تجارتهای ۱۳۲۵-۱۳۳۲ در آرشیو اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری شهرستان سقز، کار تحقیق خود را به این مقطع زمانی هفت‌ساله و بررسی اسناد مربوط به کاوش‌های تجارتهای محدود می‌کنیم و مکاتبات و صورت‌جلسه‌های موجود را با هدف روشن کردن بخشی از زوایای تاریک زیویه و جواب‌دادن به گمانه‌زنی‌ها و ابهامات مربوط به اشیاء و مجموعه‌های منتسب به آن بازخوانی و تحلیل می‌کنیم.



در حفاری‌های سال ۱۳۲۹ علاوه بر عبدالله ویسی که نماینده اداره فرهنگ و ناظر عملیات حفاری بوده است، رشید کیخسروی فرزند ابراهیم کیخسروی از مالکان روستای زیویه نیز در این سال و در سن نوجوانی در روستای زیویه سکونت داشته و درحین حفاری در محل حضور داشته است و در کتابی سه جلدی با عنوان *دوران بی‌خبری* به این موضوع پرداخته است. شایان ذکر است که هرچند مطالب این کتاب غالباً فاقد پشتوانه علمی است و نویسنده خصوصاً در جلد‌های اول و دوم به مسائل حاشیه‌ای و ذکر موضوعات اغراق‌آمیز همانند هگمتانه خواندن زیویه و انتساب آن به آرامگاه زرتشت و رستم پرداخته است، ولی در جلد سوم به ذکر خاطراتی هرچند کوتاه و مختصر از حفاری زیویه می‌پردازد و بعضاً نکاتی را در آن‌ها ذکر می‌کند که قرار دادن آن‌ها در کنار دیگر اسناد و مدارک می‌تواند در تحقیقات مربوط به زیویه راهگشا باشد.

شایان ذکر است که یکی از منابع اصلی انجام تحقیق حاضر، اسناد آرشیوی اداره میراث فرهنگی شهرستان سقز است که به اختصار (آمس) نوشته شده است.

زمان و مکان

حکومت کوچک مانا در فاصله زمانی اواخر عصر مفرغ تا آغاز امپراتوری هخامنشیان در همسایگی حکومت‌های مقتدر آشور، اورارتو و عیلام در عرصه سیاسی منطقه حضور فعال داشته و از فرصت مبارزه میان دول مقتدر آشور و اورارتو استفاده کرده و بر قدرت خود افزوده است. مهم‌ترین منبع تحقیقی درباره این حکومت سال‌نامه‌های آشوری است که آشوریان در آن‌ها به شرح کشورگشایی‌هایشان پرداخته‌اند و گاهی نیز به ماناها اشاراتی کرده‌اند.

نام مانا اولین بار در کتیبه مربوط به شلمنصر سوم به تاریخ ۸۴۳ قبل از میلاد آمده است که در آن به شرح لشکرکشی یکی از سردارانش به اسم دایان آشور در سال ۸۲۸ قبل از میلاد به قلمرو مانا و شکست اوآلکی پادشاه مانا پرداخته است (دیاکونوف، ۱۳۷۱، ص ۱۵۶). البته در سال‌نامه‌های بابلی و اورارتویی نیز به مانا اشاره‌هایی شده است. در اولین اشارات آشوری‌ها، از سرزمین مانا با عنوان زاموا یاد می‌شود که پس از تشکیل ایالت آشوری زاموا باقی‌مانده این محدوده به اسم زاموای داخلی شناخته می‌شود که از شمال به امپراتوری اورارتو با مرز طبیعی سهند و ارتفاعات بزغوش و از غرب به کوه‌های مرزی ایران و عراق محدود می‌شده که در واقع حائل آشور و مانا بوده است؛ از شرق هم به دولت ماد محدود می‌شده و مرز جنوبی آن نیز احتمالاً منطقه مریوان تا دهگلان و دره قزل‌اوزن بوده است (ملازاده، ۱۳۸۸، ص ۴۸).



از جمله پادشاهان مانا که نامشان در منابع مختلف آشوری ذکر شده است، عبارت اند از: ایرانزو^۱، آزا^۲، اولوسونو^۳، و آخسری^۴، آخرین اشاره به حکومت مانا در منبعی عبری در سال ۵۹۳ قبل از میلاد است (دیاکونوف، ۱۳۷۱، ص ۲۹۳) و ظاهراً بعد از این تاریخ بوده است که مانا کاملاً در امپراتوری بزرگ ماد مستحیل شده است.

محوطه باستانی زیویه در استان کردستان و در فاصله ۴۸ کیلومتری شمال شرق سقز و یک کیلومتری شمال روستایی به همین نام و در مختصات جغرافیایی 4015632-1760-EL^۵ 651596-s38 واقع شده است. تپه کاملاً منفردی که تأسیسات زیویه بر فراز آن بنا شده است حدود ۴۰ هکتار در سطح قاعده وسعت دارد و ارتفاع آن از سطح زمین های اطراف حدود ۱۱۰ متر است.

واضح ترین اشاره به زیویه در سالنامه سارگن دوم است که در کتیبه مربوط به سال سلطنتش (۷۱۷ ق.م) می گوید که ایزرتو پایتخت مملکت مانا (احتمالاً محوطه قلای چی بوکان) را به آتش کشیده و شهرهای زیبیه (احتمالاً زیویه) و آرمائید (احتمالاً قپلاتنو) را تصرف کرده است (فیروزمندی و سرفراز، ۱۳۸۱، ص ۹۲).

در باره وجه تسمیه زیویه گفتنی است که در زبان کردی واژه زیو که بخش اول کلمه زیویه است به دو معنی به کار رفته است: ۱. به معنی فلز نقره ۲. به معنی قبر و مزار متبرکه. زیو با پسوند (ان) به صورت زیوان به معنی نگهبان و خادم مزار متبرکه به کار می رود و همین معنی ما را به یکی از کاربری های احتمالی محوطه زیویه به عنوان مدفن و مقبره فردی متشخص و نامدار رهنمون می کند.

معماری زیویه کاملاً خشتی است و سنگ فقط در پی دیوارها و سنگ فرش راهروها و فضاهای باز به کار رفته است. معماران زیویه برای از بین بردن شیب طبیعی تپه آن را در سه سطح مختلف سکونندی کرده اند و سطوح را با راه پله هایی سنگی به همدیگر مرتبط کرده اند و در بالاترین سطح تپه تالاری ستون دار با ۱۶ عدد ستون بنا کرده اند (معمدی، ۱۳۷۶، ص ۱۴۵).

اشیاء منتسب به زیویه در حال حاضر شامل مجموعه ای تقریباً بزرگ و با اهمیت شامل اشیاء زرین، مفرغی، سفالی، سنگی، و عاجی است که رد پای از آن ها را در اکثر موزه ها و مجموعه های خصوصی جهان می توان مشاهده کرد. نخستین گزارش محققانه درباره این یافته ها را آندره گدار در آکادمی کتیبه ها و آثار ادبی عرضه کرده است (Godard, 1949, p169) و نخستین تصاویر مربوط به اشیاء زیویه شامل تصویر چهار شیء را یدا گدار (همسر آندره گدار) در سال ۱۹۵۰ در دسترس جامعه محققان قرار داده است (Godard, yadda, 1950, p332) و بعد از آن در همان سال نخستین توصیف مشروح آندره گدار منتشر

1. Iranzo
2. Aza
3. Uiiusunu
4. Ahseri
۵. ارتفاع از سطح دریا



شده که در آن گذار مدعی شده‌است که این اشیاء از درون ظرفی مفرغی پیدا شده‌اند و اهالی آن را قطعه‌قطعه کرده‌اند (Godard, andre, 1950, pp 55-56). در همان سال ۱۹۵۰ رومن گیرشمن مقاله‌ای با عنوان «گنجینه سقر» چاپ کرد و در آن مدعی شد که اطلاعات چاپ‌شده^۱ در مجموع شامل حدود ۲۰ شیء برگرفته از یک گنجینه واحد بزرگ است (Ghirshman, 1950, p198). این مطالب به این دلیل اهمیت دارد که از نظر زمانی نزدیک‌ترین گزارش و توصیف به سال کشف اتفاقی اشیاء زیویه است. بعدها محققان دیگری از جمله ویلکینسون (۱۹۷۵)، کی. آیشیگیرو (۱۹۷۶)، و پرادا (۱۹۶۴) بخشی از اشیاء منتسب به زیویه را توصیف کرده‌اند.

درباره سبک هنری این اشیاء نیز محققان هر کدام نظری خاص دارند. گذار معتقد است که اشیاء عاجی سبک آشوری دارند و بقیه اشیاء سبک ترکیبی مانایی، آشوری، و سکایی دارند (Godard, andre, 1950, pp 11-44). گیرشمن تأثیرات فرهنگ هنری آشوری، اورارتویی، سکایی و لرستان بر این آثار را مهم می‌شمارد (Ghirshman, 1950, p181). ایدت پرادا به بومی بودن این هنر البته تحت تأثیر عناصر هنری زیاد اشاره می‌کند (Porada, 1964, p26) و بالأخره دیوید استروناخ در کتاب *ایران باستان* متذکر می‌شود: «اشیاء فلزی منطقه معروف زیویه حاکی از سبک التقاطی این نقطه است که از تأثیرات خارجی بهره فراوانی گرفته‌است» (استروناخ، ۱۳۸۹، ص ۱۵۰). تنوع سبک هنری اشیاء بررسی شده به دست محققان مذکور و ده‌ها محقق و نویسنده دیگر و نیز کثرت اشیاء منتسب به زیویه این پرسش را پیش می‌آورد که آیا واقعاً همه این اشیاء در زیویه به دست آمده‌اند یا اینکه فروشندگان و دلالان عتیقه برای مقبول افتادن کالاهایشان برچسب تعلق به زیویه به آن‌ها زده‌اند؟ این شک و شبهه‌ها کسانی هم چون ماسکارالا را بر آن داشته‌است تا مقاله «زیویه و زیویه: جعل یک خاستگاه» را به رشته تحریر درآورد و در آن به صورت صریح اعلام کند: «قصور محققان در آزمون منتقدانه داده‌ها و مطرح نکردن پرسش و تردید درباره آن‌ها و کوتاهی ایشان در شناسایی موقعیت، به صورتی که واقعاً وجود داشت و نه به صورتی که ادعا می‌شد، موجب خلق مشکل زیویه شده‌است» (ماسکارالا، ۱۳۸۸، ص ۹۰).

اسناد آرشیوی و اهمیت آن‌ها در مطالعات تاریخی

آرشیو، مجموعه نوشته‌ها و اوراقی است که حاصل فعالیت‌های روزمره و مستمر دیوان‌های سابق و ادارات کنونی است و مندرجات آن از نظر نحوه بهره‌برداری دارای دو گونه ارزش اداری و ارزش تحقیقی است؛ بدین معنی که مادامی که مطالب آرشیو مربوط به امور جاری و روزمره اداری است، دارای ارزش اداری است و پس از آنکه از گردش فعالیت‌های

۱. اطلاعات چاپ‌شده در ژورنال Artibus
asiae: توصیف ۲۰ شیء باستانی مکشوفه
از زیویه.



روزمره اداری خارج شد، ارزش تحقیقی و استنادی پیدا می‌کند. مدارک آرشیوی در مقایسه با دیگر منابع تاریخی اصالت و اعتبار بیشتری دارند؛ زیرا هر سند آرشیوی با زمان و رویدادی خاص و حقیقی در ارتباط است و در واقع رابطه‌ای مستقیم بین اثر و مؤثر^۱ وجود دارد و چون مدارک آرشیوی حاصل فعالیت‌های اداری و روزمره زندگی جامعه هستند، تقریباً خالی از شایعه، دروغ، اغراض خصوصی، و ملاحظه‌کاری‌ها هستند (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰، ص ۶).

مختصری از عملیات‌های حفاری و کاوش در زیویه

در پی کشف اتفاقی محوطه باستانی زیویه کوشش‌هایی برای کاوش و حفاری در آن آغاز شد. در مرحله نخست در سال ۱۳۲۵ ش وزارت فرهنگ وقت اولین مجوز رسمی حفاری تجارتي را به نام عتیقه‌فروشی یهودی به اسم ایوب ربنو صادر کرد. ربنو به مدت ۷ سال متوالی (۱۳۲۵-۱۳۳۲) به عملیات گنج‌یابی در زیویه پرداخت. در مرحله بعدی اولین فصل کاوش تقریباً علمی و کنترل‌شده باستان‌شناختی را در سال ۱۳۴۳ رابرت دایسون^۲ و کرافورد^۳ انجام دادند که به دلیل تخریب زیاد و آشفستگی بیش از حد محوطه زیویه (ناشی از حفاری‌های تجارتي) این فصل کاوش بسیار محدود و کوتاه‌مدت بود. در ادامه در فاصله سال‌های ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۶ و بعد از وقفه‌ای هفده‌ساله از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۷ کاوش در زیویه را نصرت‌الله معتمدی پیگیری کرد.

ادامه کار کاوش در فاصله سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲ به سرپرستی خانم سیمین لک‌پور انجام شد و در سال ۱۳۸۷ هیئتی به سرپرستی کامیار عبدی کاوش‌های علمی در زیویه را ادامه دادند و در نهایت عملیات تعیین عرصه و پیشنهاد حریم آن به سرپرستی عبدالرضا مهاجری‌نژاد در سال ۱۳۹۱ انجام شد. شایان‌ذکر است که به‌جز کاوش اخیر که کاوشگر گزارش کامل آن را عرضه کرده‌است، از ۱۴ فصل کاوش علمی قبلی به‌جز چند مقاله جسته‌گریخته که از چند صفحه تجاوز نمی‌کند هیچ گزارشی عرضه نشده‌است و این خود عمده‌ترین دلیل مجهول‌ماندن زوایای گوناگون زیویه است.

آغاز حفاری تجارتي در زیویه

حفاری‌های سال ۱۳۲۵

سرآغاز حفاری و کاوش در زیویه با صدور مجوز شماره ۱۷۷۵ مورخه ۱۳۲۵/۸/۱۹ توسط وزارت فرهنگ و با امضاء مشکوتی رئیس کل اداره باستان‌شناسی به اسم ایوب ربنو بوده‌است که به دلیل اهمیت سند عین متن آن در اینجا ذکر می‌شود:

۱. انزگاردنه
2. daison
3. craford



«آقای ایوب ربنو به طوری که ضمن نامه مورخه ۲۵/۸/۱۲ درخواست کرده‌اند [کرده‌اید]، طبق ماده ۱۱ قانون و ماده ۱۹ آیین‌نامه عتیقات به شما اجازه داده می‌شود که در زیویه [زیویه] از محال سقز با اطلاع و نظارت اداره فرهنگ شهرستان و رعایت مواد ۱۲-۱۳-۱۴ و ۱۶ قانون و مواد ۲۷-۲۸-۲۹- و ۳۱ آیین‌نامه عتیقات به انجام حفاری تجارتهی مبادرت نموده [و] کلیه اشیائی [را] که به دست می‌آید به اداره کل باستان‌شناسی ارائه دهید که بر طبق مقررات قانونی و آیین‌نامه عتیقات درباره آن‌ها رفتار شود. مدت این اجازه‌نامه از تاریخ صدور تا پایان سال ۱۳۲۵ می‌باشد» (آمس، سند شماره ۳۴۴). ناظر عملیات حفاری در سال ۱۳۲۵ زیویه آقای محمود راد بوده‌است که این مأموریت طی ابلاغیه شماره ۱۸۲۹ اداره کل باستان‌شناسی از طرف وزیر فرهنگ به او محول می‌شود (آمس، سند شماره ۳۴۵). طی نامه شماره ۲۰۵۴ مورخه ۱۳۲۵/۹/۱۷ از اداره کل باستان‌شناسی به اداره فرهنگ سقز ابلاغ می‌شود تا هر ۱۵ روز یک‌بار گزارش حفاری و نیز صورت‌جلسه اشیاء مکشوفه به اداره کل باستان‌شناسی ارسال شود (آمس، سند شماره ۳۵۵) و متعاقب آن طی اولین گزارش اداره فرهنگ سقز به شماره تلگراف ۴۰۲۷ مورخه ۱۳۲۵/۹/۲۸ شرح کشفیات به شرح زیر به تهران ارسال می‌شود: چند عدد تیرکمان آهنی؛ النگو و پابند و سردیگ مفرغی؛ سرپاره جانوران از جنس گل، دو قطعه فلز مفرغی (آمس، سند شماره ۳۵۶).

تنها صورت‌جلسه سال ۱۳۲۵ به تاریخ ۱۳۲۵/۹/۲۴ ظاهراً بدون حضور بازرس اداره کل باستان‌شناسی یا اداره فرهنگ تنظیم شده‌است که با توجه به اهمیت آن به عنوان اولین صورت‌جلسه شروع حفاری، عین متن آن به شرح زیر می‌آید:

«با اطلاع آقایان ابراهیم کیخسروی و محمدحسن کیخسروی به قرار شرح زیر اشیاء مکشوفه که از اثر حفاری از ده زیویه به دست آمده به این جانب اسدالله جواهری مقیم قصبه شاه‌عبدالعظیم طهران تحویل گردیده. مفرق شکسته و سالم ده تیکه؛ النگوی مفرق بیست دانه؛ پابند مفرق شش دانه؛ پیکان مفرق بیست و پنج دانه؛ میخ مفرق دوازده دانه؛ سوسک مفرقی شصت و پنج دانه؛ سر اردک گلی شکسته شش دانه. متعهدم اشیاء نامبرده را به وسیله آقای ایوب ربنو به اداره باستان‌شناسی تحویل دهم» (آمس، سند شماره ۳۵۹).

از محتوای این صورت‌جلسه و نیز نامه شماره ۴۰۵۹ مورخه ۱۳۲۵/۱۰/۱ اداره فرهنگ سقز که در آن قید شده‌است: «چون آقای محمود راد بازرس فنی فعلاً در سقز نیست، اینک عین پاکت شماره ۱۹۲۲ صادره به عنوان نامبرده [را] به ضمیمه تقدیم می‌دارد» (آمس، سند شماره ۳۵۷) و نیز مضمون تلگراف شماره ۵۱۹۵ اداره فرهنگ سقز که در آن قید شده‌است: «نماینده ایوب ربنو بدون اطلاع اداره فرهنگ سقز اشیاء مکشوفه را به تهران انتقال داده‌است» (آمس، سند شماره ۳۶۳)، می‌توان به صورت تقریباً قطعی ادعا کرد

که حفاری‌های سال ۱۳۲۵ که در واقع حساس‌ترین مقطع حفاری در زیویه بوده‌است، بدون هیچ‌گونه نظارت وزارت فرهنگ انجام شده‌است و آقای اسدالله جواهری به‌همراه فرد دیگری به‌اسم غریب داوودیان با دستی کاملاً باز و بدون هیچ‌گونه محدودیتی به انجام حفاری و غارت اشیاء منحصر به فرد و گران‌بهای زیویه پرداخته‌اند.

حفاری‌های سال ۱۳۲۶

در اواخر سال ۱۳۲۵ طی نامه شماره ۴۶۹۵۱/۲۶۱۱ مورخه ۱۳۲۵/۱۲/۱۱ مجوز حفاری تجارتي تا پایان سال ۱۳۲۶ برای ایوب ربنو تمدید می‌شود (آمس، سند شماره ۳۶۴). در ابتدای سال ۱۳۲۶ ایوب ربنو طی نامه‌ای به اداره فرهنگ سقز عبدالله نودل و اسدالله جواهری را به‌عنوان نماینده و کارکنان خود برای کاوش در زیویه معرفی می‌کند (آمس، سند شماره ۳۶۶). نکته حائز اهمیت درباره این نامه این است که ربنو در مکاتباتش از کاغذهایی با سربرگ مخصوص با اسم خودش و امپریال بانک استفاده می‌کرده‌است و این خود سندی گویا درباره شغل اصلی ایوب ربنو به‌عنوان سهام‌دار این بانک است که با استفاده از موقعیت مالی موفق شده‌است مجوز حفاری تجارتي در زیویه را از وزارت فرهنگ وقت اخذ کند. نماینده اداره فرهنگ سقز در حفاری سال ۱۳۲۶ محمدرشید امامی مدیر دبستان روستای گل‌تپه بوده‌است و برطبق اولین مکاتبه ایشان با اداره فرهنگ عملیات حفاری از مورخه ۱۳۲۶/۳/۵ شروع شده‌است (آمس، سند شماره ۳۷۰).

همان‌گونه که در سطرهای پیشین هم اشاره شد عملیات حفاری سال ۱۳۲۵ بدون حضور نماینده اداره فرهنگ سقز انجام شده‌است و چنین به‌نظر می‌رسد که آقای محمود راد که از طرف وزارت فرهنگ به‌عنوان ناظر حفاری تعیین شده‌است، فقط از زیویه بازدید مختصر داشته و حضور مستمر نداشته‌است. در مورخه ۱۳۲۶/۳/۶ ایوب ربنو طی نامه‌ای به اسدالله جواهری، غریب داوودیان و موسی داوودیان متذکر می‌شود که خود را به اداره فرهنگ سقز معرفی کنند و ضمن حفاری زیویه اشیائی را هم که در دست اشخاص است بخرند (آمس، سند شماره ۳۷۵). این سند به‌خوبی گویای این واقعیت است که علاوه بر اشیاء حاصل از حفاری، به‌احتمال زیاد بخش اعظم اشیائی را هم که اهالی زیویه و روستاهای اطراف به‌صورت اتفاقی یا با حفاری‌های غیرمجاز یا به هر شیوه دیگری به‌دست آورده‌اند، به‌دلیل ناآشنایی با بازارهای خرید عتیقه و نیز شرایط آسان‌تر معامله با نماینده ایوب ربنو یعنی اسدالله جواهری، به او فروخته‌اند و این موضوع کاملاً مسکوت مانده‌است و هیچ سند و مدرکی در رابطه با این‌گونه معاملات در دست نیست. ولی اگر فرضیه پیداشدن اتفاقی گنجینه زیویه و غارت آن توسط اهالی که اولین بار یدا گذار در



مجله فرانسوی فرانسه مصور در ۸ آوریل ۱۹۵۰ به آن اشاره می‌کند و بعدها با کمی تغییرات در منابع دیگر از جمله ون افورد (Van ufford, 1962, p25)، کنتور (Kantor, 1957, p10) هم آمده واقعیت داشته باشد، می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که ایوب ربنو و هیئتش اکثر اشیاء غارت شده را به شیوه‌های مختلف خریده‌اند و بعدها در همان سال ۱۳۲۵ و اوایل سال ۱۳۲۶ برای فروش به اداره کل باستان‌شناسی عرضه کرده‌اند. مکاتبات و اسناد موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران که در ادامه مطلب به صورت مفصل بررسی خواهند شد هم به روشنی گویای این واقعیت است که حجم تقریباً زیادی از اشیاء را ایوب ربنو و چند دلال دیگر عتیقه برای فروش به اداره کل باستان‌شناسی پیشنهاد داده‌اند.

• اولین صورت جلسه اشیاء مکشوفه سال ۱۳۲۶ را آقای امامی نماینده اداره فرهنگ تنظیم کرده و در آن قید کرده‌است که حاصل حفاری از ۱۳۲۶/۳/۵ لغایت ۱۳۲۶/۴/۱۶ جمعاً هفت قطعه به شرح زیر است: «مفرغ بدون مشخصات ۳ تیکه؛ کوزه گلی قرمز شکسته یک عدد؛ کوزه گلی قرمز یک عدد؛ قرح گلی شکسته یک عدد؛ کله شکسته مجسمه شیر یک عدد» (آمس، سند شماره ۳۹۱).

در مورخه ۱۳۲۶/۴/۱۵ در پی مکاتبات عدیده آقای امامی برای به کارگیری فرد دیگری به عنوان ناظر عملیات حفاری به علت ناتوانی ایشان در ادامه کار به علت درد چشم، اداره فرهنگ سقز محمدسعید عدنانی را به عنوان نماینده اداره فرهنگ برای نظارت بر عملیات حفاری مأمور می‌کند.

• صورت جلسه دوم سال ۱۳۲۶ در ۲۳ مرداد با حضور آقای محمدسعید عدنانی نماینده جدید اداره فرهنگ سقز تنظیم شده که جزئیات اشیاء مکشوفه به شرح زیر در آن قید شده‌است: «یک تکه استخوان عاج با نقش سه صورت و یک صورت شیر؛ یک تکه عاج دارای خطوط؛ میخ مفرغی چهار عدد؛ نصف سر مجسمه گلی گوساله به وزن تقریبی یک من و تکه پاره متفرقه از همان مجسمه گلی؛ مجسمه شتر گلی کوچک» (آمس، سند شماره ۴۰۲).

دو نکته قابل تأمل در حفاری‌های سال ۱۳۲۶ وجود دارد:

۱. تنظیم فقط دو صورت جلسه از اشیاء مکشوفه طی ۷ تا ۸ ماه حفاری و کاوش بدون محدودیت، دربرگیرنده ۱۵ قلم شیء شامل ظروف و اشیاء سفالی شکسته، چند قطعه مفرغ و دو قطعه عاج است. علاوه بر این طبق نامه مورخه ۱۳۲۶/۵/۱۸ آقای سلیم فیض نژاد نماینده جدید اداره فرهنگ سقز، عملیات حفاری از مورخه ۱۳۲۶/۵/۱۵ تا ۱۳۲۶/۶/۴ ظاهراً به دلیل قطع امید آقای جواهری حفار زیویه از کشف اشیاء گران بها متوقف می‌شود و نامبرده به تهران مراجعت می‌کند (آمس، سند شماره ۴۰۰).

۲. در طول حفاری‌های سال ۲۶ به ترتیب آقایان محمدرشید امامی، محمدسعید عدنانی و سلیم فیض‌نژاد - همه از آموزگاران اداره فرهنگ - مسئولیت نظارت بر عملیات حفاری زیویه را برعهده داشته‌اند و ظاهراً به استناد مکاتبات نامبردگان با اداره فرهنگ دلیل اصلی تغییر مکرر ناظران وضعیت نامساعد جوی و نیز ناتوانی جسمانی برای ادامه کار نظارت بوده است.

حفاری‌های سال ۱۳۲۷

مجوز حفاری تجارتنی آقای ربنو در مورخه ۱۳۲۷/۱/۲۳ و طی نامه شماره ۲۶۲ اداره فرهنگ کردستان تا پایان همان سال و با همان شرایط قبلی تمدید شد؛ با این اختلاف که در این نامه علاوه بر حفاری زیویه، اسم قافلانو (قپلانتو) نیز ذکر شده و این بدین معنی است که محدوده مجاز برای حفاری تجارتنی توسعه یافته و حفاری در قپلانتو نیز مجاز اعلام شده است (آمس، سند شماره ۴۱۳). ناظر اداره فرهنگ در سال ۱۳۲۷ آقای عبدالله ویسی بوده و به استناد ابلاغیه اداره فرهنگ برای ایشان چنین به نظر می‌رسد که عملیات حفاری در این سال از اوایل مردادماه شروع شده است. در تاریخ ۱۳۲۷/۵/۱۳ قراردادی میان مالکان روستای زیویه و آقای غریب داوودیان، نماینده آقای ربنو با موضوع شیوه تقسیم اشیاء مکشوفه و قدرالسهم هرکدام از دو طرف منعقد می‌شود که به موجب این قرارداد مقرر می‌شود: «از کلیه اشیاء مکشوفه و بهای آن پس از وضع سهم دولت، طبق مقررات اداره عتیقات صدی سی و پنج [متعلق] به مالکان نامبرده و بقیه متعلق به آقای ربنو خواهد بود؛ کلیه مخارج مربوط به حفاری و غیره به‌عهده آقای ربنو است» (آمس، سند شماره ۴۱۵). در طول فصل حفاری سال ۱۳۲۷ هفت صورت جلسه کشف به شرح زیر تنظیم شده است که آخرینش در ۱۰ آبان بوده است و ظاهراً طبق مندرجات نامه ناظر حفاری به اداره فرهنگ سقز در این تاریخ به دلیل بروود هوا عملیات حفاری در این سال به پایان رسیده است.

به لحاظ اینکه متن صورت جلسه‌ها در طول سال‌های حفاری تجارتنی در زیویه تقریباً یکسان بوده و تغییرات بسیار جزئی در آن‌ها داده شده است، برای آشنایی خوانندگان با شیوه نگارش صورت جلسه‌ها عین متن صورت جلسه مورخه ۱۳۲۷/۵/۳۱ در اینجا می‌آید: «به اطلاع آقایان محمدحسن کیخسروی مالک قریه زیویه و چند نفر معتمدین محلی و عبدالله ویسی بازرس اداره فرهنگ سقز [می‌رسانم که] این‌جانب اسدالله جواهری شناسنامه شماره ۲۸۲۱ مقیم قصبه شاه‌عبدالعظیم طهران نماینده آقای ایوب ربنو در نتیجه عمل حفاری از تاریخ ۲۷/۵/۲۰ تا تاریخ ۲۷/۵/۳۱ اشیاء صورت زیر را از حفر کوه



زیویه استخراج نموده و نزد خودم می‌باشد. [شرح کشفیات]: ... و بدین وسیله متعهدم در مراجعت طهران عیناً اشیاء مکشوفه بالا را به وسیله آقای ایوب ربنو به اداره باستان‌شناسی تحویل دهم. در خاتمه این صورت‌مجلس در ۵ نسخه تهیه، دو نسخه نزد مالک محل و دو نسخه به اداره فرهنگ سقز و یک نسخه نزد آقای جواهری خواهد بود. امضاء: آقای محمدحسن کیخسروی، عبدالله ویسی، اسدالله جواهری، علی سعیدی پیش‌نماز، علی وحدت‌دهبان.»

جزئیات اشیاء مکشوفه صورت‌جلسه شده به شرح زیر است:

- صورت‌جلسه ۱۳۲۷/۵/۳۱ کشفیات ۲۰ تا ۳۱ مرداد به شرح: ۳۱ عدد زنگ مفرغی؛ ۴ عدد کوزه و ظروف سفالی؛ یک عدد کاسه مفرغی؛ سر عصای مفرغی؛ ۱۸ عدد ظرف مفرغی؛ ۲ عدد پیشانی‌بند مال [اسب] از مفرغ (آمس، سند شماره ۴۲۷).
 - صورت‌جلسه ۱۳۲۷/۶/۱۱ کشفیات ۱ تا ۱۱ شهریور به شرح: ۲ عدد چفت مفرغی صندوق؛ یک عدد سر مجسمه بز کوهی؛ یک عدد دشنه آهنی؛ ۱۲ عدد پولک استخوانی؛ یک عدد کوزه لعابی (آمس، سند شماره ۴۲۸).
 - صورت‌جلسه ۱۳۲۷/۶/۲۱ کشفیات ۱۲ تا ۲۱ شهریور به شرح: ۲۰۰ مهره عقیق قرمز؛ ۱۰۰ مهره شیشه سفید؛ دو عدد زنگ مفرغی؛ تغار بزرگ گلی؛ گلدان شکسته؛ چهل تیکه مفرغ شکسته و خردشده؛ کارد مفرغی با دسته نقره (آمس، سند شماره ۴۲۴).
 - صورت‌جلسه ۱۳۲۷/۷/۱ کشفیات مورخه ۲۲ شهریور تا ۱ مهر به شرح: ۴ عدد کوزه سفالی شکسته؛ ۸ عدد پولک مال نقره‌ای؛ یک عدد جام مفرغی سالم؛ ۳۰ عدد سرنیزه آهنی (آمس، سند شماره ۴۳۳).
 - صورت‌جلسه ۱۳۲۷/۷/۱۱ کشفیات مورخه ۲ تا ۱۱ مهر به شرح: ۱۶ عدد کوزه سفالی؛ یک عدد سر مفرغی عصا؛ دو من خرده سفال شکسته (شش کیلو)؛ پنج سیر خرده مفرغ (۳۷۵ گرم) (آمس، سند شماره ۴۴۱).
 - صورت‌جلسه ۱۳۲۷/۷/۲۰ کشفیات مورخه ۱۲ تا ۲۰ مهر به شرح: ۷ عدد کوزه سفالی؛ نصف مجسمه مفرغی با تنه حیوانی و سر انسانی (آمس، سند شماره ۴۴۴).
 - صورت‌جلسه ۱۳۲۷/۸/۱۰ کشفیات مورخه ۲۱ مهر تا ۱۰ آبان به شرح: ۳ عدد کوزه سنگی؛ ۳ عدد بشقاب سنگی به رنگ‌های سبز و قهوه‌ای؛ قندان سنگی سیاه‌رنگ؛ ۲ عدد کوزه سفالی؛ ۷ سیر تیکه‌های مفرغی شکسته (۵۲۵ گرم)؛ ۳ سیر استخوان نقش‌دار (قطعات عاج) (آمس، سند شماره ۴۴۹).
- از بررسی صورت‌جلسه‌های مذکور می‌توان به این نتیجه رسید که در مقایسه با سال‌های ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶ حفاری‌ها در این سال منظم‌تر بوده و با نظارت کامل عبدالله ویسی

نماینده اداره فرهنگ انجام شده است و صورت جلسه ها نیز دقیق تر و به موقع تر تنظیم شده اند و این موضوع می تواند به علت حضور آقای ویسی باشد که با وجود تأمین نشدن منبع پرداخت فوق العاده مأموریت ایشان، وظیفه خود را به نحو احسن انجام داده است.

حفاری های سال ۱۳۲۸

اداره کل باستان شناسی پروانه کاوش در زیویه در سال ۱۳۲۸ را طی نامه شماره ۱۶۲۳/۱۵۱ مورخه ۱۳۲۸/۱/۳۰ به نام ایوب ربنو تمدید کرد (آمس، سند شماره ۴۵۷) و ایوب ربنو نیز در مورخه ۱۳۲۸/۴/۲ اسدالله جواهری را به عنوان نماینده خود برای همکاری به اداره فرهنگ سفز معرفی کرد (آمس، سند شماره ۴۶۱).

اسدالله جواهری علاوه بر حفاری در زیویه از طرف ایوب ربنو مأموریت داشت تا اشیاء باستانی ای را که در دست مردم بود خریداری کند و هدف اصلی جواهری از بازدید از روستاهای اطراف زیویه نیز خریداری این گونه اشیاء حاصل از حفاری های غیرمجاز بوده است. از جمله مناطق اطراف زیویه که حفاری های غیرمجاز گسترده در آن واقع شده قلاتو و محوطه های اطراف آن بوده است که از متن نامه مورخه ۱۳۲۸/۴/۲۶ عبدالله ویسی ناظر اداره فرهنگ می توان به حجم گسترده حفاری و تخریب در این حدود پی برد. آقای ویسی در این نامه متذکر می شود: «به اندازه ای حفرها زیاد است، بلکه از حفاری زیویه که مدت چند سال است مشغول هستند بیشتر می باشد. قسمتی هم دارای قبر بوده و قبرها را زیرورو کرده اند؛ بعضی استخوان مرده و تیکه کاسه های گلی میان خاک ها پیدا بود» (آمس، سند شماره ۴۶۵). در این نامه به هیچ گونه شیء مکشوفه ای اشاره نشده است؛ ولی در نامه ای دیگر آقای عبدالله ویسی به تاریخ ۱۳۲۸/۵/۱۶ به صورت کاملاً واضح اشاره می کند که از حفاری های قلاتو اشیاء زیادی به دست آمده است، در حالی که اسدالله جواهری موفق نشده است، هیچ شیئی را خریداری کنند (آمس، سند شماره ۴۶۹). این شکست شاید به دلیل اعتمادداشتن اهالی به اسدالله جواهری یا مبلغ ناچیز پیشنهادی او بوده است و چه بسا بعدها این اعتماد جلب شده باشد و نامبرده به خریداری این اشیاء موفق شده باشد...؟

- اولین صورت جلسه سال ۱۳۲۸ را اسدالله جواهری در تاریخ سوم مرداد با حضور عبدالله ویسی، مالکان زیویه و پیش نماز روستا تنظیم کرده است که در آن به شرح زیر به کشفیات حاصل از حفاری از مورخه ۱۸ تیر تا ۳ مرداد در ۱۲ بند اشاره شده است:
 ۱. دو عدد چراغ گلی لوله دار؛ ۲. یک عدد پیاله و یک عدد کوزه کوچک گلی؛ ۳. دو عدد کوزه کوچک لعاب دار؛ ۴. یک عدد زنگ (زنگوله) مفرغی پوسیده؛ ۵. یک قطعه مفرغی مدور شبیه سر قوری؛ ۶. یک عدد قندان گلی شکسته؛ ۷. پنج سیر تیکه های

مفرغی بدون محسنات (تزئینات)؛ ۸. سیزده عدد میخ مفرغی؛ ۹. دو عدد میخ بزرگ مفرغی با سرهای چهارپر؛ ۱۰. یک عدد سر مفرغی عصا؛ ۱۱. یک قطعه با عنوان سرچفت صندوق به‌اندازه بندانگشت و پهنای دو سانت که رویش طلا و زیرش مفرغ است (ظاهراً لعاب طلایی داشته‌است)؛ ۱۲- یک عدد پیاله گلی قرمز شکسته (آمس، سند شماره ۴۶۶).

علاوه بر این صورت جلسه در طول سال ۱۳۲۸ پنج صورت جلسه کشف دیگر هم به شرح زیر تنظیم شده است:

- صورت جلسه ۱۳۲۸/۵/۱۰ مورخه ۴ تا ۱۰ مرداد به شرح: ۸۴ قطعه اشیاء متنوع مفرغی شامل لوله‌های مفرغی، قوطی مفرغی، زنگ، اشیاء شبیه درب قوطی، پیاله، دهنه اسب؛ و ۶۰ کیلو تیکه‌های بزرگ و کوچک خردشده بدون محسنات (آمس، سند شماره ۴۸۱).

- صورت جلسه ۱۳۲۸/۵/۲۱ کشفیات مورخه ۱۱ تا ۲۱ مرداد به شرح: ۲۸ قطعه متنوع مفرغی؛ ۵ عدد ظرف سفالی؛ ۲ عدد بشقاب سنگی (آمس، سند شماره ۴۸۴).

- صورت جلسه ۱۳۲۸/۵/۲۸ کشفیات مورخه ۲۲ تا ۲۸ مرداد به شرح: ۲ عدد بشقاب سنگی؛ ۳ عدد شیء مفرغی؛ ۱۴ عدد میخ مفرغی که سر آن‌ها آب طلا شده است؛ یک عدد مهره کوچک طلایی شبیه سیم پیچیده شده (احتمالاً گوشواره) (آمس، سند شماره ۴۸۸).

- صورت جلسه ۱۳۲۸/۷/۱۵ کشفیات مورخه ۲۹ مرداد لغایت ۱۵ مهر به شرح: سنگ ستونی مدور به‌درازای ۷۰ سانتی‌متر و قطر ۴۰ سانتی‌متر دارای برجستگی و خطوط؛ ۱۲ کیلو تیکه‌های کوچک و بزرگ سفال لعاب‌دار و نقاشی شده؛ خنجر شکسته با دسته استخوانی و میخ طلا؛ پولک مفرغی بدون محسنات (آمس، سند شماره ۵۰۹).

- صورت جلسه ۱۳۲۸/۸/۱۵ کشفیات مورخه ۱۶ مهر لغایت ۱۵ آبان به شرح: ۲۷۰ عدد خرده‌طلای ساده خیلی کوچک به‌وزن یک مثقال و بیست‌وسه نخود؛ هشت کیلو تکه‌های سفالی با لعاب مختلف (آمس، سند شماره ۵۱۷).

در تاریخ ۱۳۲۸/۱۲/۸ صورت جلسه تقسیم اشیاء مکشوفه سال ۱۳۲۸ با حضور مدیرکل فنی باستان‌شناسی، مدیر موزه ایران باستان، رئیس اداره کل باستان‌شناسی، موزه‌داران و بازرسان موزه و صاحب پروانه حفاری تنظیم می‌شود و در آن سهم هرکدام از طرف‌ها به شرح زیر تعیین می‌شود:

سهم موزه: کلیه اشیاء مفرغی اعم از قطعاتی شبیه لوله پهن و عریض؛ پایه تخت یا صندلی؛ زنگ و قطعات مفرغ دارای نقوش برجسته؛ سنجاق سرهای مدور؛ سیزده عدد

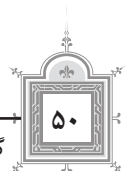
ظرف سفالی سالم؛ چهار ظرف سنگی؛ یک میخ بزرگ لعابی و قطعات مختلف سفالی؛ یک عدد بست مفرغی با روکش طلا؛ ۱۲ عدد میخ مفرغی با سر طلایی؛ و مقداری دکمه‌های ریز طلایی. سهم حفار: تمام قطعات ظروف سفالی لعاب‌دار؛ یک عدد گرز از سنگ مرمر؛ یک عدد سر قوچ نقره‌ای کوچک؛ یک عدد کارد آهنی شکسته با دسته نقره؛ عاج الوان؛ و قطعات مفرغی شبیه سر مرغابی (آمس، سند شماره ۵۲۶).

در سال ۱۳۲۸ طی ابلاغیه‌های شماره ۵۶۵۷/۱۵۲۱۷/۷ و ۵۶۵۷/۱۵۲۱۸/۷ مورخه ۱۳۲۸/۵/۲۳ از طرف وزیر فرهنگ به آقایان علی حاکمی و محمود راد بازرسان اداره کل باستان‌شناسی مأموریت داده می‌شود تا حفاری‌های آذربایجان غربی، جنوب دریاچه ارومیه و شمال کردستان را شروع کنند و نقشه‌برداری‌های لازم را انجام دهند (آمس، اسناد شماره ۴۹۵ و ۴۹۶). البته تاکنون هیچ‌گونه گزارش و مستنداتی مبنی بر حفاری علمی و نقشه‌برداری گروه مذکور در زیویه عرضه نشده‌است و چنین به نظر می‌رسد که باستان‌شناسان مذکور فقط در آذربایجان فعالیت کرده‌اند و به زیویه عزیمت نکرده‌اند.

حفاری‌های سال ۱۳۲۹

در اسناد آرشیوی مورد مطالعه، سندی مبنی بر تمدید مجوز کاوش در سال ۱۳۲۹ وجود ندارد؛ ولی به استناد اولین صورت‌جلسه تنظیمی، عملیات حفاری در این سال از ابتدای خرداد آغاز شده‌است. در طول حفاری‌های سال ۱۳۲۹ جمعاً سه صورت‌جلسه به شرح زیر تنظیم شده‌است:

- صورت‌جلسه مورخه ۱۳۲۹/۳/۳۱ کشفیات ۱ تا ۳۱ خرداد به شرح: ۳۵ عدد پیکان تیر؛ یک عدد لوله طلایی به طول ۵ سانتی‌متر و وزن یک مثقال؛ پیاله سنگی سیاه‌رنگ؛ سه عدد کوزه سفالی لعاب‌دار؛ و حدود ۵ قطعه متنوع مفرغی (آمس، سند شماره ۵۴۱).
- صورت‌جلسه مورخه ۱۳۲۹/۵/۲۴ کشفیات ۱ تیر تا ۲۴ مرداد به شرح: سر مجسمه بره از سنگ؛ گل کوچک گچی؛ ظرف سنگی نعلبکی شکل سبزرنگ؛ یک قطعه پوسیده نقره به وزن یک سیر؛ کاسه سفالی تخم‌مرغی شکل شکسته؛ دو عدد کاسه سفالی با نقوش سیاه؛ یک کیلو قطعات سفالی منقوش؛ چهار سیر قطعات شکسته عاج (آمس، سند شماره ۵۴۶).
- صورت‌جلسه مورخه ۱۳۲۹/۷/۲۰ کشفیات ۲۵ مرداد تا ۲۰ مهر به شرح: ۴ عدد ظرف سفالی متنوع؛ ۵ قطعه شیء مفرغی شامل النگو، میخ و دهنه اسب؛ ۷ عدد مجسمه کوچک سنگی؛ ۸ کیلو سفال شکسته؛ ۱۸ عدد پیکان از جنس عاج؛ ۱۲ سیر عاج شکسته؛ یک قطعه به شکل آجر منقوش؛ ۶ قطعه سنگ با نقش‌های متنوع (آمس،



سند شماره ۵۵۱).

از جمله اسناد و مکاتبات مهم سال ۱۳۲۹ نامه شماره ۱۵ از طرف عبدالله ویسی ناظر عملیات حفاری زیویه خطاب به اداره فرهنگ سقز به تاریخ ۱۳۲۹/۶/۳۱ است که از دو جهت اهمیت دارد (آمس، سند شماره ۵۴۹):

۱. کشف تکه شکسته‌های مجسمه‌ای بزرگ جمعاً به وزن تقریبی دو خروار (۶۰۰ کیلوگرم) که با وجود کاوش در محدوده ۵۰×۵۰ متری اطراف محل کشف قطعات اصلی مجسمه از جمله سر آن کشف نمی‌شود و در نهایت این مجموعه در انباری نگهداری می‌شود و آقای جواهری نیز از تحویل رسمی آن و تنظیم صورت‌جلسه کشف آن سر باز می‌زند. گفتنی است که تاکنون در هیچ مقاله و کتابی ذکری از این مجموعه به میان نیامده است؛ چه بسا اگر اهل فن این مجموعه را بررسی می‌کردند، بسیاری از زوایای تاریخ و تمدن مانا و خصوصاً ساکنان زیویه روشن می‌شد.

عبدالله ویسی در مکاتبه بعدی در تاریخ ۱۳۲۹/۷/۲۰ دوباره به این مجموعه - که در کل شامل ۳۷ قطعه بوده است - اشاره می‌کند و متذکر می‌شود که ۶ قطعه شاخص از این مجموعه در طی صورت‌جلسه مورخه ۲۰ مهر برای مطالعه و بررسی بیشتر یا به قول ایشان «نمونه‌برداری» در اداره کل باستان‌شناسی، به آقای جواهری تحویل داده شده و بقیه همچنان نزد مالکان زیویه به امانت گذاشته شده است (آمس، سند شماره ۵۵۴).

۲. اشاره به شواهد معماری شامل چهار ضلع دیوارهای منظم و متصل به هم با پوشش و اندود گچی که طی عملیات کندوکاو به قصد به دست آوردن قطعات مجسمه شکسته مذکور نمایان شده‌اند؛ ولی به مرور زمان و بر اثر بی‌توجهی مسئولان وقت، این شواهد معماری که در واقع گران‌بهارترین و اصلی‌ترین بخش بقایای تمدن مانایی زیویه بوده‌اند از بین رفته‌اند. البته علاوه بر ناظر عملیات حفاری، رشید کیخسروی نیز به تشریح بخش‌هایی از معماری نمایان‌شده زیویه طی عملیات حفاری، اشاره می‌کند و مدعی است که «اسدالله جواهری چهار دیواری و اسکلت دیوارها را که سفیدکاری یا رنگ‌وروغن‌کاری بوده‌اند با مهارت خاصی از زیر خاک خارج می‌نموده است» (کیخسروی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۲۱۴).

کیخسروی در جلد سوم کتاب خود در قالب ذکر خاطره‌ای به بازگویی وقایع یک روز حفاری در مورخه ۱۳۲۸/۳/۱ می‌پردازد و ضمن اشاره به شیوه و روش کار اسدالله جواهری حفار زیویه و نماینده ایوب ربنو به تشریح کامل یک روز کاری می‌پردازد و به کشف اتفاقی سه کوزه سفالی لعاب‌دار (کیخسروی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۱۶۲) و نیز بقایای یک اسکلت اشاره می‌کند که اشیائی با ارزش شامل گوشواره طلا، گردنبند ترکیبی طلا و عاج،

دستبند طلا با نقش شیر در دو انتهایش، تعداد زیادی دکمه و پلاک طلایی، یک عدد لوله طلایی و یک قطعه عاج منقوش به ابعاد ۲×۲ سانتی متر را به همراه داشته است (کیخسروی، ۱۳۸۸، ج ۳، صص ۱۶۷-۱۸۷).

نکته قابل تأمل در این بخش این است که در صورت جلسه های تنظیمی تاریخ مذکور، فقط به یک عدد لوله طلایی و سه عدد کوزه سفالی اشاره شده است و اگر ادعای آقای کیخسروی درباره کشفیات آن روز کاری درست باشد، این شبهه کلی و مهم ایجاد می شود که احتمالاً بخش اعظمی از اشیاء باارزش مکشوفه اصلاً صورت جلسه نمی شده اند.

حفاری های سال ۱۳۳۰

مجوز حفاری تجارتي زیویه در سال ۱۳۳۰ در ابتدا طی نامه شماره ۲۸۱۸۴/۲۹۳۶ مورخه ۱۳۲۹/۹/۱۲ وزارت فرهنگ به آقای ابراهیم کیخسروی واگذار شده و در این نامه قید شده است که آقای ایوب ربنو به نفع آقای کیخسروی از حفاری در زیویه انصراف داده است (آمس، سند شماره ۵۶۰). ابراهیم خان کیخسروی در تاریخ ۱۳۳۰/۱/۱۳ طی نامه ای به اداره فرهنگ سقر انصراف خود را از انجام عملیات حفاری اعلام می کند و اداره فرهنگ مجدداً قراردادی با آقای ایوب ربنو منعقد می کند (آمس، سند شماره ۵۶۳). این موضوع را از متن صورت جلسه های تنظیمی سال ۱۳۳۰ نیز می توان فهمید که امتیاز حفاری در سال ۱۳۳۰ نیز در اختیار آقای ربنو بوده است. مسئولیت نظارت بر عملیات حفاری زیویه نیز طی ابلاغیه شماره ۱۰۴۹ مورخه ۱۳۳۰/۳/۱ همچنان به عبدالله ویسی محول می شود (آمس، سند شماره ۵۷۴).

- اولین صورت جلسه کشفیات سال ۱۳۳۰، دربرگیرنده کشفیات ۵ خرداد تا ۱۱ تیر را اسدالله جواهری در تاریخ ۱۳۳۰/۴/۱۱ به شرح زیر تنظیم کرده است: قطعه ای استخوانی شبیه سر عصاره به شکل مار؛ قطعه ای از جنس چوب شبیه دسته خنجر؛ مجسمه سفالی اردک؛ ۶ کیلو قطعات سفال لعاب دار؛ دو عدد بشقاب لعاب دار ساده؛ کوزه سفالی لعاب دار سبزرنگ منقوش (آمس، سند شماره ۵۷۹).
- صورت جلسه بعدی در مورخه ۱۳۳۰/۶/۳ دربرگیرنده کشفیات ۱۲ تیر لغایت ۳ شهریور است که ظاهراً طی حدود ۴۲ روز کاری مداوم فقط یک عدد بشقاب سنگی کشف شده است که به ۱۸ تیکه شکسته تقسیم شده و دارای سه تا پایه است (آمس، سند شماره ۵۶۳). در طول سال ۱۳۳۰ فقط دو صورت جلسه کشف مذکور تنظیم شده است که به استناد آن در طول حداقل ۴ ماه کار مداوم فقط ۸ قلم شیء سفالی، سنگی، چوبی، استخوانی، و مفرغی غیر شاخص و حدود ۶ کیلو قطعات



ظروف سفالی کشف شده‌است که جای بسی تأمل دارد.

حفاری‌های سال ۱۳۳۱

مجوز حفاری تجاری سال ۱۳۳۱ در زیویه به شماره ۱۳۷۶۱/۸۳۶ مورخه ۱۳۳۱/۴/۱۷ به اسم آقای ایوب ربینو صادر شده‌است و طبق آن مجوز حفاری در زیویه به شعاع ۵۰ کیلومتری اطراف آن به مدت یک سال از تاریخ صدور نامه به نامبرده اعطا شده‌است (آمس، سند شماره ۵۹۷). نکته جالب در این اجازه‌نامه، توسعه محدود مجاز برای حفاری به شعاع ۵۰ کیلومتری اطراف زیویه برای آقای ربینو است و علت این توسعه محدود نیز ظاهراً جبران خساراتی بوده‌است که نامبرده در طول سال‌های گذشته و طی عملیات حفاری در زیویه متحمل شده‌است. با کمی تأمل در این اجازه‌نامه به کم‌توجهی بیش‌ازحد مسئولان وزارت فرهنگ و اداره کل باستان‌شناسی وقت پی می‌بریم که چشم خود را بر سطح وسیع تخریب آثار و شواهد معماری و نیز غارت و چپاول آثار منحصر به فرد زیویه در طول ۶ سال حفاری و کندوکاو بی‌قاعده بسته‌اند و به‌جای بازدید و بررسی کارشناسانه از وضعیت فعالیت هیئت مذکور و سطح تخریب این محوطه با ارزش باستانی، هر ساله مجوز حفاری و در واقع غارت و تخریب زیویه را تمدید کرده‌اند و در نهایت ناباوری برای جبران خسارت احتمالی این دلال حرفه‌ای عتیقه مناطق بیشتری را در اختیار او قرار داده‌اند.

در ابتدای این نامه از خدمات ایوب ربینو برای جمع‌آوری گنجینه زر (زیویه) قدردانی شده‌است. این اولین بار است که در نامه‌ای رسمی به گنجینه زر (زیویه) اشاره شده‌است؛ این در حالی است که در صورت جلسه‌های تنظیم شده در محل تا این تاریخ فقط به چند مورد جزئی و غیرشاخص از اشیاء طلایی مکشوفه در زیویه به شرح زیر اشاره شده‌است:

- یک قطعه با عنوان سرچفت صندوق به اندازه بند انگشت و پهنای دو سانت که رویش طلا و زیرش مفرغ است (صورت جلسه مورخه ۱۳۲۸/۵/۳).
- چهارده عدد میخ مفرغی که سر آن‌ها آب طلا شده‌است؛ یک عدد مهره کوچک طلایی شبیه سیم پیچیده شده (صورت جلسه مورخه ۱۳۲۸/۵/۲۸).
- خنجر شکسته با دسته استخوانی و میخ طلا (صورت جلسه مورخه ۱۳۲۸/۷/۱۵).
- ۲۷۰ عدد خرده طلای ساده خیلی کوچک به وزن یک مثقال و بیست و سه نخود (صورت جلسه مورخه ۱۳۲۸/۸/۱۵).
- یک عدد لوله طلایی به طول ۵ سانتی‌متر و وزن یک مثقال (صورت جلسه مورخه ۱۳۲۹/۳/۳۱).

علت این موضوع می‌تواند یکی از فرضیه‌های مشروحه زیر باشد:



- اشیاء زرین مکشوفه به صورت جداگانه و خارج از ضوابط و مقررات قانونی و توافق نامه‌ها و به صورت محرمانه بین موزه ایران باستان و دارنده مجوز حفاری تجارتي تقسیم شده است.

- حفاران زیویه (اسدالله جواهری و ایوب ربنو) با اقناع افرادی که صورت جلسه‌ها را امضاء کرده‌اند، اشیاء زرین مکشوفه را در این صورت جلسه‌ها قید کرده‌اند.

- در مجوز حفاری سال ۱۳۳۱ اشاره شده است: «آقای ایوب ربنو در جواب نامه مورخه ۳۱/۳/۱۷ با توجه به خدماتی که در جمع‌آوری گنجینه زر (زیویه) کردستان به عمل آورده‌اید...»، ذکر عنوان جمع‌آوری گنجینه شاید اشاره به این موضوع باشد که اشیاء زرین زیویه را جواهری و ربنو از مردم زیویه و روستاهای اطراف جمع‌آوری و خریداری کرده‌اند و به همین دلیل در صورت جلسه‌ها قید نکرده‌اند.

نماینده آقای ربنو در حفاری سال ۱۳۳۱ حبیب قدیسی بوده است. وی طی نامه مورخه ۱۳۳۱/۶/۱۹ دوباره اسدالله جواهری را به عنوان جانشین خود به اداره فرهنگ سقز معرفی کرده است. ناظر و نماینده اداره فرهنگ نیز محمدرسول یزدانی بوده است که طی ابلاغیه شماره ۱۷۵۲ مورخه ۳۱/۵/۱۵ به این مأموریت اعزام شده است. با توجه به اینکه طی سال‌های ۱۳۲۷ لغایت ۱۳۳۱ عبدالله ویسی مسئولیت نظارت بر حفاری را برعهده داشته و در سال ۱۳۳۱ این مسئولیت به یزدانی محول شده است، رئیس اداره کل باستان‌شناسی طی نامه شماره ۱۱۸۹ مورخه ۱۳۳۱/۵/۲۶ علت این موضوع را جویا شده است (آمس، سند شماره ۲۷۲). اداره فرهنگ سقز در جواب این نامه اعلام می‌دارد که آقای ویسی به کار حساس‌تری گمارده شده است...؟

• اولین صورت جلسه کشفیات سال ۱۳۳۱ در مورخه ۱۳۳۱/۶/۱۵ تنظیم شده و کشفیات ۱۵ مرداد تا ۱۵ شهریور به شرح زیر در آن قید شده است: پنج عدد پولک مفرغی جفتی؛ پنج قطعه مفرغی شبیه سر قوری؛ دو عدد قوطی نازک مفرغی؛ پنج عدد حلقه مفرغی؛ حدود ۶ کیلو خرده مفرغ اشیاء متفرقه (آمس، سند شماره ۶۰۷). در مورخه ۱۳۳۱/۵/۲۰ قراردادی میان مالکان زیویه و مهندس قدیسی منعقد شده است. نحوه تقسیم و سهم هر طرف طبق این قرارداد بدین صورت بوده است: بعد از کسر سهم دولت، بقیه اشیاء به نسبت ۳۰ درصد مالکان زیویه و ۷۰ درصد مهندس قدیسی تقسیم شود. در ضمن مخارج ایاب و ذهاب آقای کیخسروی به تهران برای تحویل اشیاء به اداره کل باستان‌شناسی و فوق‌العاده مأموریت نماینده اداره فرهنگ نیز برعهده قدیسی باشد (آمس، سند شماره ۶۱۳). گفتنی است که این میزان در قراردادهای سال‌های قبلی ۳۵ درصد سهم مالکان زیویه و ۶۵ درصد سهم حفار بوده است.



• صورت جلسه مورخه ۱۳۳۱/۷/۵ کشفیات ۱۵ شهریور تا ۵ مهر به شرح: مجسمه سر و گردن اسب مفرغی؛ چهار دست و پای یک مجسمه شیر از مفرغ؛ دو دست مجسمه گوساله مفرغی؛ ۶ عدد پیکان جنگی مفرغی؛ دو عدد میخ مفرغی که روی آن‌ها طلای خالص است (آمس، سند شماره ۶۱۹).

از تاریخ ۱۳۳۱/۷/۵ اداره فرهنگ سقز به دلیل کمبود آموزگار محمدرسول یزدانی را از زیویه احضار کرد و به همین علت عملیات حفاری به دلیل حضور نداشتن ناظر اداره فرهنگ و نیز بیماری آقای جواهری ظاهراً تعطیل شد و کل اشیاء مکشوفه موضوع صورت جلسه تاریخ ۵ مهر ۱۳۳۱ نزد آقایان کیخسروی (مالکان زیویه) به امانت گذاشته شد تا مالکان زیویه خودشان آن‌ها را به تهران انتقال دهند.

به استناد نامه شماره ۱۳۴ مورخه ۱۳۳۲/۱/۲۲ اداره کل باستان شناسی خطاب به حبیب‌الله قدیسی، اشیاء مکشوفه سال ۱۳۳۱ (موضوع صورت جلسه‌های مذکور) تا آن تاریخ تحویل اداره کل باستان شناسی نشده است (آمس، سند شماره ۶۶۸) و به استناد مکاتبات موجود، مهندس قدیسی اشیاء موضوع صورت جلسه مورخه ۱۳۳۱/۶/۱۵ را بدون اطلاع اداره فرهنگ سقز به تهران انتقال داده است و اشیاء موضوع صورت جلسه دوم تا تاریخ ۱۳۳۲/۹/۱۵ همچنان در اختیار مالکان روستای زیویه و عبدالله ویسی بوده است و در تاریخ ذکر شده طی صورت جلسه‌ای تحویل آقایان کیخسروی شده است تا آن را به اداره کل باستان شناسی انتقال دهند؛ در نهایت طی صورت جلسه شماره ۲۱۱۱ مورخه ۳۲/۹/۲۲ این اشیاء نیز تحویل اداره کل باستان شناسی شده است (آمس، سند شماره ۷۰۶).

صورت جلسه مورخه ۱۳۳۲/۹/۲۶ با موضوع تعیین تکلیف و تقسیم اشیاء کشف شده از روستای زیویه قابل تأمل است. این صورت جلسه با حضور رئیس اداره کل باستان شناسی، مالکان زیویه، صاحب پروانه حفاری و کارشناسان موزه ایران باستان تنظیم شده است و در آن اشیاء حاصل از حفاری‌های سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۱ تقسیم شده است و طبق نظر و موافقت حاضران از مجموع ۳۱ قلم شیء مکشوفه این سه سال ۶ قطعه شامل: یک عدد لوله طلایی خیلی نازک به درازای ۵ سانتی متر و وزن تقریباً یک مثقال، یک قطعه نقره پوسیده به صورت لوله پهن شده به وزن یک سیر، یک قطعه استخوان شبیه سر عصا، یک عدد مجسمه سر اردک لعاب‌دار، دو عدد بشقاب لعاب‌دار ساده، یک عدد کوزه سفالی لعاب‌دار با نقش راه‌راه سبزرنگ به صاحب پروانه و مالکان روستای زیویه واگذار شده و بقیه اشیاء به موزه ایران باستان تعلق گرفته است (آمس، سند شماره ۷۰۵).

بعد از مطالعه این صورت جلسه این سؤال پیش می‌آید که آیا واقعاً سهم صاحب پروانه بعد از سه فصل متوالی کاوش در سال‌های ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، و ۱۳۳۱ و صرف هزینه‌های

زیاد برای تأمین ملزومات حفاری و دستمزد کارگران، همین چند قطعه نه‌چندان گران‌بها بوده‌است؟! البته شایان‌ذکر است که در همین صورت‌جلسه نیز اشیائی که دارای ارزش ریالی بوده‌اند به صاحب پروانه حفاری یعنی ایوب ربنو واگذار شده‌اند.

به‌استناد اسناد موجود آخرین فصل حفاری تجارتي در زیویه در سال ۱۳۳۱ انجام شده‌است و از این سال تا سال ۱۳۴۳ که دایسون و هیئت همراهش یک فصل کوتاه گمانه‌زنی و نقشه‌برداری در زیویه انجام داده‌اند، هیچ‌گونه عملیات کاوشی انجام نشده و بعد از این سال مجوز حفاری تجاری به‌دلایلی نامعلوم - که هیچ‌وقت ذکری از آن به‌میان نیامده‌است - تمدید نشده‌است.

اسناد و مکاتبات مربوط به خرید اشیاء زیویه از تجار و دلالتان عتیقه

اولین اسناد مربوط به خرید اشیائی از زیویه که در دست تجار و دلالتان عتیقه بوده‌است مربوط به اوایل سال ۱۳۲۶ است؛ بدین شرح که اداره‌کل باستان‌شناسی در تاریخ ۱۳۲۶/۳/۲۳ طی نامه محرمانه شماره ۲۳۲ م گزارشی از چگونگی کشف گنجینه اشیاء زیویه و درخواست خرید آن اشیاء توسط موزه ایران باستان را به دربار شاهنشاهی عرضه کرده‌است (یزدانی، ۱۳۸۰، سند شماره ۹۵).

دو روز بعد از این اولین مکاتبه، اداره‌کل باستان‌شناسی در مورخه ۱۳۲۶/۳/۲۵ طی نامه محرمانه شماره ۳/۲۳۳ خطاب به شخص نخست‌وزیر (احمد قوام)، مبلغ یک میلیون تومان درخواست کرده‌است برای خرید مجموعه‌ای که تجار عتیقه در فروردین همان سال به‌صورت امانت تحویل موزه ایران باستان داده بودند و نیز بقیه اشیائی که احتمالاً در دست تجار عتیقه و دلالتان مانده‌است. در این نامه، فهرستی از اشیاء متناسب به زیویه ذکر شده‌است که بسیار حائز اهمیت است (یزدانی، ۱۳۸۰، سند شماره ۹۷). در تاریخ ۱۳۲۶/۶/۲۴ و طی نامه شماره ۷۸۶۹/۱۶۷۲ اداره‌کل باستان‌شناسی به دفتر نخست‌وزیری، ضمن اعلام تحویل مجموعه اشیاء باستانی زیویه توسط تجار عتیقه و ضرورت حفظ و نگهداری این اشیاء اعلام می‌شود که اشیاء مذکور را آقایان نجات ربیع، نورالله کهن، عزیز، ایوب ربنو و رفیع ربیع به موزه ایران باستان سپرده‌اند. این سند به‌لحاظ ذکر اسامی تاجران عتیقه که به جمع‌آوری و فروش اشیاء زیویه پرداخته‌اند، دارای اهمیتی فوق‌العاده است (یزدانی، ۱۳۸۰، سند شماره ۹۸). در آبان‌ماه همان سال طی نامه شماره ۳/۹۳۷ اداره‌کل باستان‌شناسی به دفتر نخست‌وزیری موضوع پرداخت مبلغ پیشنهادی تاجران عتیقه به‌میزان ۷۰۰ هزار تومان دوباره پیگیری می‌شود (یزدانی، ۱۳۸۰، سند شماره ۱۰۳).

در مردادماه ۱۳۲۷ نامه‌ای مفصل در پیگیری مکاتبات قبلی برای تأمین اعتبار خرید



اشیاء زیویه به دفتر نخست‌وزیری ارسال می‌شود که مطالب مهمی از جمله اهمیت اشیاء مذکور به‌عنوان نخستین اشیاء مکشوفه دوره ماد، شرح جزئیات کشف گنجینه و اولین اشیائی که موزه ایران باستان خریده در این نامه قید شده‌است (یزدانی، ۱۳۸۰، سند شماره ۱۰۶).

قیمت قطعی مورد توافق طرفین در صورت جلسه مورخه ۲۷/۶/۲۸ اعلام و مقرر شده‌است که مبلغ ۴/۳۰۰/۰۰۰ ریال برای خرید مجموعه‌ای که در ابتدای سال ۱۳۲۶ به موزه سپرده شده بود به فروشندگان پرداخت شود و علاوه بر این، مبلغ ۲/۷۰۰/۰۰۰ ریال نیز برای خرید مجموعه دومی که به جزئیات آن اشاره‌ای نشده و ظاهراً در شهریور به موزه تحویل شده‌است، پرداخت شود (یزدانی، ۱۳۸۰، سند شماره ۱۰۸).

پس از انجام چند مکاتبه دیگر در این باره و پیگیری‌های مداوم فروشندگان بالآخره در ۱۳۲۸/۹/۱۷ شاه مجوز خرید اشیاء را به نخست‌وزیر اعلام می‌کند (یزدانی، ۱۳۸۰، سند شماره ۱۲۶) و در نامه شماره ۵۷۹۶۶ مورخه ۱۳۲۸/۱۰/۱۰ وزارت دارایی، محل تأمین اعتبار خرید اشیاء، ماده ۴۶ اعلام می‌شود و در نهایت در بهمن‌ماه همان سال قسط اول خرید اشیاء پرداخت می‌شود (یزدانی، ۱۳۸۰، سند شماره ۱۲۸).

از مقایسه محتویات این اسناد خصوصاً نامه مورخه ۱۳۲۶/۳/۲۵ اداره کل باستان‌شناسی به نخست‌وزیر که در آن فهرستی از اشیاء مورد معامله قید شده‌است، با صورت جلسه‌های کشفیات حفاری تجارته زیویه، متوجه این موضوع مهم می‌شویم که در صورت جلسه‌های کشفیات حفاری فقط به چند قطعه غیر شاخص و جزئی از اشیاء طلائی اشاره کرده‌اند که آن‌هم در نهایت در جلسه‌های تقسیم و تعیین تکلیف اشیاء مکشوفه - که غالباً در موزه ایران باستان برگزار می‌شده - به صاحب پروانه و مالکان زیویه تعلق می‌گرفته‌است؛ ولی از آنجاکه اشیاء ذکر شده در نامه‌های مذکور کاملاً شاخص و از طلای خالص بوده‌اند، این پرسش مطرح می‌شود که آیا واقعاً در طول ۷ سال حفاری در زیویه حتی یک شیء شاخص زرین هم کشف نشده‌است؟! یا اینکه این اشیاء شاخص همان گنجینه‌ای است که اهالی به‌صورت اتفاقی در اوایل سال ۱۳۲۵ کشف کرده‌اند و احتمالاً عمال ایوب ربنو آن‌ها را در سال ۱۳۲۶ و ۱۳۲۵ از اهالی خریده‌اند؛ یا اینکه اشیائی کشف شده‌اند، ولی به‌دوراز چشم ناظر اداره فرهنگ و مالکان زیویه به تهران منتقل شده‌اند. درباره فرضیه اخیر، رشید کیخسروی نیز مدعی است که اسدالله جواهری به بهانه‌های مختلف نماینده دولت را به کارهای جانبی مشغول می‌کرده و به‌همراه عوامل مورد اعتماد خود در نقاط حساس حفاری می‌کرده‌است و اشیاء مکشوفه را به‌دوراز چشم ناظر و مالکان روستا بدون ذکر در صورت جلسه‌های مربوطه از زیویه خارج می‌کرده‌است (کیخسروی، ۱۳۸۸، ج ۳،

ص ۲۲۸).

در جواب این پرسش و فرضیات، باتوجه به فقدان مستندات، باید به استدلالات عقلی و منطقی متوسل شد؛ بدین شرح که اولاً منطقی به نظر نمی‌رسد که طی ۷ سال کاوش هیچ‌گونه شیء شاخص زرینی کشف و صورت جلسه نشده باشد. از جهت دیگر باتوجه به حضور مداوم نماینده و ناظر اداره فرهنگ، مالکان روستای زیویه و کارگران بومی، پنهان کردن کشفیات باارزش احتمالی توسط صاحب پروانه و نماینده اش بسیار سخت و تقریباً غیرممکن بوده است. بنابراین در نهایت منطقی ترین نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این می‌تواند باشد که هرکدام از اشیاء منتسب به زیویه که اکنون در موزه‌ها و مجموعه‌های جهان به نمایش گذاشته شده است، می‌تواند از طرق مختلف به دست آمده باشد و بعدها از کشورهای مختلف جهان سر درآورده باشد.

نتیجه‌گیری

پس از مطالعه و بررسی اسناد و مدارک آرشیوی مربوط به حفاری تجارته طی سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۲ در زیویه خصوصاً صورت جلسه‌های مربوط به کشفیات، متوجه این نکته بسیار مهم و اساسی می‌شویم که فهرست کلی اشیاء مکشوفه به هیچ وجه با اشیاء منحصر به فرد و فاخر منتسب به زیویه همخوانی ندارد؛ بدین شرح که در این صورت جلسه‌ها و مکاتبات به هیچ کددام از این اشیاء اشاره‌ای نشده است. این موضوع زمانی اهمیت دوچندان می‌یابد که به بررسی اسناد و مکاتبات رسمی مربوط به خرید اشیاء زیویه از دلالات و تجارعتیقه توسط دولت می‌پردازیم. در این مکاتبات به صورت کاملاً واضح به مجموعه‌ای از اشیاء منحصر به فرد زرین اشاره شده که به موزه ایران باستان تحویل شده است و بنابه ادعای این تجار متعلق به زیویه هستند.

علاوه بر این‌ها محققان خارجی از جمله آندره گدار (رئیس وقت موزه ایران باستان)، گیرشمن، یدا گدار و... در مقالات و گزارش‌هایی که هم‌زمان یا با اندکی تأخیر از زمان کشف گنجینه زیویه انتشار داده‌اند، به توصیف تعدادی از اشیاء زرین زیویه پرداخته‌اند. در جمع‌بندی کلی درباره چگونگی و شیوه دستیابی به مجموعه تقریباً عظیم اشیاء منتسب به زیویه می‌توان چنین نتیجه گرفت که این اشیاء منحصرراً از کاوش‌های تجارته زیویه به دست نیامده است؛ بلکه ممکن است از هر یک از روش‌های مشروحه زیر به دست آمده باشد:

- اشیائی که واقعاً طی کاوش‌های تجارته سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۲ در زیویه به دست آمده‌اند و در صورت جلسه‌ها به آن‌ها اشاره شده است.
- اشیائی که از حفاری‌های تجارته زیویه به دست آمده‌اند، ولی به‌دوراز چشم مالکان



زیویه و ناظر اداره فرهنگ خصوصاً در سال‌های ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶ کشف شده‌اند و در هیچ صورت جلسه‌ای ذکر نشده‌اند.

• اشیائی که طی حفاری‌های غیرمجاز اهالی در اطراف زیویه خصوصاً از روستای قیلانتو به دست آمده‌اند و عبدالله ویسی ناظر اداره فرهنگ در نامه‌های مورخه ۱۳۲۸/۴/۲۶ و ۱۳۲۸/۵/۱۶ به آن‌ها اشاره کرده‌است.

• اشیائی که به هیچ وجه در زیویه به دست نیامده‌اند و یا شاید هم فاقد اصالت تاریخی باشند، ولی تجار عتیقه عمداً با هدف اعتباربخشی به این اشیاء آن‌ها را به زیویه منتسب کرده‌اند.

به هر حال این اشیاء وجود دارند و اگر اصالت آن‌ها ثابت شود، دارای ارزشی فوق العاده در بررسی تاریخ هنر ایران هستند. البته نباید فراموش کرد که هر کدام از این اشیاء را باید فارغ از تعلق به مجموعه یا مکانی خاص بررسی کرد؛ زیرا همان گونه که در سطرهای پیشین به صورت کامل شرح داده شد، هیچ گونه مستندات مطمئنی وجود ندارد که تعلق این اشیاء به زیویه یا هر محوطه باستانی دیگری را ثابت کند و این بلایی است که صدور مجوزهای حفاری تجارته در قبل از انقلاب و حفاری‌های قاچاق سودجویان و غارتگران مواریث فرهنگی قبل و بعد از انقلاب بر سر محوطه‌های باستانی کشورمان آورده‌است.

صدور مجوز حفاری تجارته در زیویه و شیوه انجام آن، لطمه‌ای جبران‌ناپذیر به بنیان و موجودیت این اثر منحصر به فرد مانایی خصوصاً آثار و شواهد معماری آن وارد آورده‌است و چه بسا اگر چند فصل برنامه کاوش علمی و کنترل شده باستان‌شناسان و کاوشگران متخصصی هم چون نصرت‌الله معتمدی و سیمین لک‌پور نبود، اینک همین اطلاعات اندک از معماری زیویه نیز وجود نداشت. به هر جهت ضربه اصلی را قصور و کوتاهی محققان در مطرح نکردن این تردید و پرسش به پیکر نیمه‌جان زیویه وارد آورده‌است که آیا این اشیاء واقعاً به زیویه تعلق دارند یا نه؟ آن‌ها بدون اینکه مطمئن باشند، در نوشته‌ها و گزارش‌های خود هر آنچه را که دلالت و تجار عتیقه ادعا کرده‌اند انعکاس داده‌اند و به جامعه علمی تزریق کرده‌اند که نتیجه آن ایجاد مشکلی بزرگ به اسم زیویه است.

البته این مشکل مختص زیویه نیست؛ بلکه به تمام محوطه‌های باستانی ای تعمیم می‌یابد که در آن‌ها حفاری‌های رسمی تجارته یا حفاری‌های غیرمجاز و قاچاق انجام شده و اشیاء و داده‌های باستانی آن‌ها غارت شده‌است.

امید آنکه در آینده‌ای نزدیک با آزمایش و بررسی تک تک اشیاء منتسب به زیویه ابتدا اصالت و در مرحله بعد پیوستگی هنری و فنی این اشیاء به فرهنگ و تمدن مانایی

زیویه بیشتر روشن شود و با انتشار گزارش کاوش های علمی چند دهه گذشته کاوشگران،
زوایای تاریک فرهنگی-تمدنی ساکنان زیویه روشن گردد.

منابع

اسناد

آرشیو اداره میراث فرهنگی سقز (آمس): اسناد شماره:
۲۷۲؛ ۳۴۴؛ ۴۵۳؛ ۳۵۵؛ ۳۵۶؛ ۳۵۷؛ ۳۵۹؛ ۳۶۳؛ ۳۶۴؛ ۳۶۶؛ ۳۷۰؛ ۳۷۵؛ ۳۹۱؛ ۴۰۰؛ ۴۰۲؛ ۴۱۳؛ ۴۱۵؛ ۴۲۴؛
۴۲۷؛ ۴۲۸؛ ۴۳۳؛ ۴۴۱؛ ۴۴۴؛ ۴۴۹؛ ۴۵۷؛ ۴۶۱؛ ۴۶۵؛ ۴۶۶؛ ۴۶۹؛ ۴۷۱؛ ۴۸۱؛ ۴۸۴؛ ۴۸۸؛ ۴۹۵؛ ۴۹۶؛
۰۹۵؛ ۵۱۷؛ ۵۲۶؛ ۵۴۱؛ ۵۴۶؛ ۵۴۹؛ ۵۵۱؛ ۵۵۴؛ ۵۶۳؛ ۵۷۴؛ ۵۷۹؛ ۵۹۷؛ ۶۰۷؛ ۶۱۳؛ ۶۱۹؛ ۶۶۸؛ ۷۰۵؛
۷۰۶.

آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کردستان.

کتاب

استروناخ، دیوید. (۱۳۸۹). *ایران باستان*. (یعقوب آژند، مترجم). تهران: نشر مولی.
دیاکونوف، ایگور میخائیلوویچ. (۱۳۷۱). *تاریخ ماد*. (کریم کشاورز، مترجم). (ج ۲). تهران: انتشارات
علمی و فرهنگی.
فیروزمندی، بهمن؛ سرفراز، علی اکبر. (۱۳۸۱). *باستان شناسی و هنر دوران تاریخی: ماد، هخامنشی، اشکانی،
ساسانی*. تهران: نشر عفاف.
فایم مقامی، جهانگیر. (۱۳۵۰). *مقدمه ای بر شناخت اسناد تاریخی*. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
کیخسروی، رشید. (۱۳۸۸). *دوران بی خبری*. (ج ۳). تهران: انتشارات آرتامیس.
یزدانی، مرضیه. (۱۳۸۰). *اسناد هیئت های باستان شناسی در ایران*. تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده
اسناد.

مقاله

ماسکارالا، اسکاروایت. (۱۳۸۸). «زیویه و زیویه: جعل یک خاستگاه». (اکرم غلامی خیبری و سیما میری،
مترجمان). *مجله باستان پژوهی*، دوره جدید، شماره ۷، صص ۷۳-۹۲.
معتمدی، نصرت الله. (۱۳۷۶). «زیویه، کاوش های سال ۱۳۷۴: معماری و شرح سفال». *گزارش های
باستان شناسی*، (۱)، صص ۱۴۳-۱۷۰.
ملازاده، کاظم. (۱۳۸۸). «نگاهی به ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، و سیاسی مانا بر پایه آگهی های
باستان شناسی و جغرافیای تاریخی». *مجله باستان پژوهی*، دوره جدید شماره ۷، صص ۴۵-۵۲.



Resource English

- Ghirshman, roman. (1950). "Le tresor de sakkez, les origins de l'Art meda et des brinzes du luristan". *Artibus asiae*, 13(3), pp 181-206.
- Godard, Andre. (1949). "Le tresor de ziwiye". *Comptes rendus des séances de academie des Inscriptions et belles letters*, Année 1949, 93-2, pp 168-172.
- Godard, Andre. (1950). *Le tresor de ziwiye (Kurdistan)*. Haarlem: Enschede en Zonen.
- Godard, Yedda. (1950). "histoire d'un tresor". *France Illustration*, 8, pp 331-333.
- Kantor, helene. (1957). "goldworks and ornaments from iran". *Cincinnati art museum bulletin*, 5(2), pp 9-20.
- Porada, edith. (1964). "The Treasure of Ziwiye". in *7000 years of Iranian art (Smithsonian institute)*, pp 85-86.
- Van ufford, Lili. Byvanck-Quarles. (1962). "Le tresor de ziwiye". *Ba besch*, pp 25-39.

English Translation of References

Documents

Ārshiv-e Edāre-ye Mirās-e Farhangi-ye Saqqez (Āms) (Archive of Saqez Cultural Heritage Office):

272; 344;345; 355; 356; 357; 359; 363; 364; 366; 370; 375; 391; 400; 402; 413; 415; 424; 427; 427; 428; 433; 441; 444; 449; 457; 461; 465; 466; 469; 471; 481; 484; 488; 495; 496; 509; 517; 526; 541; 546; 549; 551; 554; 563; 574; 579; 597; 607; 613; 619; 668; 705; 706. [Persian]

Ārshiv-e Edāre-ye Koll-e Mirās-e Farhangi, Gardešgari va sanāye'-e dasti-ye Ostān-e Kordestān (Archive of the General Directorate of Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts of Kurdistan Province). [Persian]

Books

Diakonov, Igor Mikhailovich. (1371/1992). "*Tārix-e Mād*" (Mad history) (2nd ed.). Translated by Karim Keshavarz. Tehran: Enteshārāt-e 'Elmi va Farhangi. [Persian]

- Firouzmandi, Bahman & Sarfaraz, Ali Akbar. (1381/2002). *“Bāstān-šenāsi va honar-e dōwrān-e tārixi: Mād, Haxāmaneši, Aškāni, Sāsāni”* (Archaeology and art of the historical periods of Mad, Hakhamaneshi, Ashkani and Sāsani). Tehran: Našr-e Efāf. [Persian]
- GhaemMaghami, Jahangir. (1350/1971). *“Moqaddame-ee bar šenāxt-e asnād-e tārixi”* (An introduction to the recognition of historical documents). Tehran: Enteshārāt-e Anjoman-e Āsār-e Melli (Publications of the Society for the Protection of National Monuments). [Persian]
- Godard, Andre. (1950). *Le tresor de Ziwiye* (Kurdistan). Haarlem: Enschede en Zonen.
- Keykhosravi, Rashid. (1388/2009). *“Dōwrān-e bi-xabari”* (The era of unawareness) (vol. 3). Tehran: Enteshārāt-e Ārtāmis. [Persian]
- Stronach, David. (1389/2010). *“Irān-e Bāstān”* (Ancient Iran). Translated by Yaghoub Ajand. Tehran: Našr-e Muli. [Persian]
- Yazdani, Marzieh. (1380/2001). *“Asnād-e hey’at-hā-ye bāstān-šenāsi dar Irān”* (Documents of archeological delegations in Iran). Tehran: Sāzmān-e Asnād-e Melli-ye Irān, Pažuheškade-ye Asnād (National Library and Archives of I. R. Iran, Documents Research Institute). [Persian]

Articles

- Ghirshman, Roman. (1950). “Le tresor de Sakkez, les origins de l’Art meda et des bronzes du Luristan”. *Artibus asiae*, 13(3), pp. 181-206.
- Godard, Andre. (1949). “Le tresor de Ziwiye”. *Comptes rendus des séances de academie des Inscriptions et belles lettres*, Année 1949, 93-2, pp. 168-172.
- Godard, Yedda. (1950). “Histoire d’un tresor”. *France Illustration*, 8, pp. 331-333.
- Kantor, Helene. (1957). “Goldworks and ornaments from Iran”. *Cincinnati art museum bulletin*, 5(2), pp. 9-20.
- Mollazadeh, Kazem. (1388/2009). “Negāhi be sāxtār-hā-ye farhangī, ejtemā’ee va siāsi-ye mānā bar pāye-ye āgāhi-hā-ye bāstān-šenāxti va joqrāfiā-ye tārixi” (A glance at the cultural, social, and political structures of Mana territory based on archaeological knowledge and historical geography). *Majalle-ye Bāstān-pažuhi*, new vol-

- ume, issue number 7, pp. 45-52. [Persian]
- Motamedi, Nosratollah. (1376/1997). "Ziviyeh, kāvoš-hā-ye sāl-e 1374: Me'māri va šarh-e sofāl" (Ziviyeh, excavations in 1995: Architecture and description of pottery). *Gozāreš-hā-ye Bāstān-šenāsi*, (1), pp. 143-170. [Persian]
- Muscarella, Oscar White. (1388/2009). "Ziviyeh va Ziviyeh: Ja'l-e yek xāstgāh" (Ziviyeh and Ziviyeh: Forging an origin). Translated by Akram Gholami Kheibari & Sima Miri. *Majalle-ye Bāstān-pāžuhī*, new volume, issue number 7, pp. 73-92. [Persian]
- Porada, Edith. (1964). "The Treasure of Ziwiye". In *7000 years of Iranian art* (pp. 85-86). Smithsonian Institute.
- Van ufford, Lili. Byvanck-Quarles. (1962). "Le tresor de Ziwiye". *Ba besch*, pp. 25-39.

